معرفت اقتصاد اسلامی، سال چهارم، شماره اول، پیاپی هفتم، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، ص ۹۷ ـ ۱۱۴
Ma'rifat-e Eghtesadi-e Islami, Vol.4. No.1, Spring & Summer 2012-13

بررسی کارمزد قرض‌الحسنه و شیوه‌های محاسبهٔ آن در بانکداری اسلامی

محمد بیدار*

چکیده

پیشوایان دینی تاکیدهای زیادی دربارهٔ تامین نیازهای معیشتی اقشار ضعیف جامعه از طریق قرض‌الحسنه دارند. برهمین اساس، قرض‌الحسنه یکی از شیوه‌های تجهیز و تخصیص منابع در الگوی بانکداری بدون ربا مطرح گردیده است. یکی از مسائل موجود در بخش تخصیص منابع قرض‌الحسنه، بحث کارمزد است. مقاله حاضر به بررسی مشروعیت کارمزد قرض الحسنه و شیوه‌های محاسبه آن می‌پردازد. فرضیه‌ی مقاله این است که تعیین کارمزد به عنوان درصدی از مبلغ اسمی وام با مفهوم واقعی کارمزد سازگاری ندارد. یافته‌های تحقیق حاکی از وجود نشانه هایی از صوری بودن محاسبه کارمزد قرض‌الحسنه در بانک‌های کشور است. در این مقاله ضمن بیان اقوال فقهای امامیه درباره کارمزد و نقد و بررسی راهکارهای ارائه شده برای دریافت آن، سه راهکار پیشنهادی (تامین هزینه‌های قرض‌الحسنه از بیت‌المال، اختصاص بخشی از منابع قرض‌الحسنه به سرمایه‌گذاری و محاسبه‌ی کارمزد واقعی) به منظور تامین هزینه‌های تسهیلات قرض‌الحسنه بیان گردیده است. انتظار می‌رود که محققان بانکداری اسلامی با ابداع راهکارهای دیگری درباره تامین مخارج امور قرض‌الحسنه، هرگونه شبهه‌ی ربوی را از دامن این عقد مالی اسلامی بزدایند.

کلیدواژه‌ها: قرض‌الحسنه، مخارج قرض‌الحسنه، کارمزد، شیوه‌ی محاسبه‌ی کارمزد، بانکداری اسلامی

طبقه‌بندی JEL: E5، G24، E4.

* دانشجوی دکتری فلسفهٔ اقتصاد اسلامی مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی‌ره bidar.mohamad@yahoo.com

دریافت: ۱۳۹۱/۷/۹ ـ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۰/۱۶

مقدمه

در بینش اسلامی «قرض‌الحسنه» به عنوان یک عقد مالی غیرانتفاعی، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و ثواب آن از ثواب صدقه دادن بیشتر می‌باشد. در روایتی از امام صادق‌ره آمده است که حضرت فرمودند: «بر در بهشت نوشته شده است که صدقه ده ثواب و قرض دادن هیجده ثواب دارد» (کلینی، ۱٤۰۷ق، ج٤، ص۳۳).

مقابل قرض‌الحسنه، قرض ربوی قرار دارد که قرآن کریم، آن را مصداق جنگ با خدا و پیامبر اکرم‌ص معرفی کرده (بقره: ۲۷۸–۲۷۹)، عاملان آن را به انسان‌های مصروع و دیوانه، که قدرت حفظ تعادل خویش را ندارند، تشبیه کرده است (بقره: ۲۸۵).

از سوی دیگر، ربا به شکل عجیبی در قراردادهای مختلف مالی نفوذ کرده و آنها را آلوده می‌کند. حضرت علی‌ره در این باره می‌فرمایند: «ای گروه تجّار! اول فقه بیاموزید، سپس تجارت کنید. به خدا قسم! جریان ربا در این امت، پنهان‌تر از حرکت مورچه بر سنگ سیاه است» (کلینی، ۱٤۰۷ق، ج۵، ص۱۵۰).

آنچه در این میان از اهمیت فراوانی برخوردار است، توجه دقیق و محتاطانه به اموری است که ممکن است عقد پاک قرض‌الحسنه را در دام قرض ربوی گرفتار نمایند. یکی از این امور، مسئله کارمزد در تسهیلات قرض‌الحسنه است که شاید به دلیل اینکه نرخ پایین‌تری نسبت به نرخ سایر تسهیلات دارد، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در این مقاله، سعی شده است از زوایای گوناگون این مسئله مورد بررسی قرار گرفته، پیشنهادهایی برای اصلاح آن ارائه شود.

پیشینهٔ تحقیق

دربارهٔ قرض و شرایط آن، تحقیقات فراوانی در فقه اسلامی صورت گرفته است. فقها مطالب لازم را در ابواب فقهی و در کتاب ***القرض*** بیان کرده‌اند. در ارتباط با مطلق کارمزد نیز مباحث متنوعی در کتاب ***الاجاره*** فقها مطرح گردیده است، اما دربارهٔ کارمزد مشروط در قرض، تحقیق مستقل فقهی صورت نگرفته است، اما مراجع معظم تقلید، مطالبی را در بخشی از رساله‌های عملیه و استفتائات خودشان بیان فرموده‌اند. علاوه بر رساله‌های عملیه، تحقیقات محدود دیگری نیز در این زمینه انجام شده است که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

۱. *سید محسن خرازی*(۱۳۸٤) در مقاله‌ای با عنوان «پژوهشی در اقسام بانک و احکام آن»، احکام فقهی معاملات بانکی را مورد بررسی قرار داده است. ایشان در بخشی از این مقاله، پرداخت کارمزد به شرط قرض را یکی از راه‌های مشروع دریافت کارمزد توسط بانک‌ها بیان کرده است.

۲. *مهدی فدایی خوراسگانی*(۱۳۸٤) در مقالهٔ «بررسی کارمزد تسهیلات مالی با عقود اسلامی»، تسهیلات اعطایی در دانشگاه آزاد اسلامی را بررسی کرده است. از آنجایی که تسهیلات قرض‌الحسنه، مهم‌ترین بخش تسهیلات مالی در یک دانشگاه محسوب می‌شود، و مواردی مانند تسهیلات مسکن، ازدواج، وام تحصیلی و ضروری از طریق عقد قرض‌الحسنه واقع می‌شود، در بخشی از این مقاله، بحث

کارمزد تسهیلات فوق به میان آمده و محاسبهٔ آن بر اساس تعداد اقساط، روش مناسبی برای جایگزینی شیوهٔ فعلی دانسته شده است.

۳. *فرشته ملاکریمی خوزانی*(۱۳۹۰)، در بخشی از مقالهٔ «بررسی فقهی اخذ کارمزد و ارائهٔ تسهیلات به شرط سپرده‌گذاری در صندوق‌های قرض‌الحسنه»، به‌جمع‌آوری اقوال مراجع معظم تقلید دربارهٔ جواز یا حرمت دریافت کارمزد تسهیلات قرض‌الحسنه پرداخته است.

در این مقاله، به منظور تکمیل پژوهش‌های پیشین، ضمن ارزیابی روش متعارف محاسبه نرخ در بانکداری جمهوری اسلامی ایران و تطبیق فقهی آن، راهکارهایی جایگزین پیشنهاد می‌شود.

روش‌شناسی بررسی کارمزد قرض‌الحسنه

روش بررسی کارمزد تسهیلات قرض‌الحسنه در بانکداری اسلامی بدین گونه است که ابتدا مفاهیم قرض‌الحسنه و کارمزد، تبیین گردیده، سپس نظر مراجع معظم تقلید در این خصوص بیان می‌گردد. از آنجایی که موضوع مزبور یک مسئله تقلیدی است، از پرداختن به صحت و سقم ادلهٔ فقهی موافقان و مخالفان اجتناب گردیده و ادله طرفین تنها درحد نقل قول و به منظور آشنایی با ادبیات بحث، بیان شده است. از این رو، مطابقت فعالیت‌های بانکی دربارهٔ دریافت کارمزد، با نظر همه یا اکثر مراجع تقلید، محور این مقاله قرار گرفته است. در ادامه، با رعایت همین شیوه، به نقد راه‌های توجیه آن، پرداخته شده و راهکارهایی ارائه شده است.

مفاهیم

قرض‌الحسنه

«قرض‌الحسنه» از دو واژهٔ «قرض» و «حسنه» ترکیب یافته است. واژهٔ «قرض»، که معادل فارسی آن «وام» است، در لغت به معنای بریدن و قطع کردن است (فراهیدی، ۱٤۱۰ق، ج ۵، ص ٤۹؛ ابن‌منظور، ۱٤۱٤ق، ج ۷، ص ۲۱٦) و به چیزی که انسان آن را از مال خود به دیگری داده که آن را بعداً به او بازگرداند، قرض گفته می‌شود (طریحی، ۱٤۱٦ق، ج٤، ص۲۲٦). وجه تسمیهٔ عملیات مزبور به «قرض» این است که انسان با انجام این کار، مقداری از پول و دارایی خود را، هرچند به صورت موقتی از خود جدا کرده و ارتباط خویش را از آن قطع می‌کند.

دومین واژهٔ این عبارت، کلمهٔ «حسنه» است که به معنای زیبا و نیکو می‌باشد. بنابراین، معنای لغوی قرض‌الحسنه این است که انسان مقداری از دارایی خود را به نحو نیکو و شایسته به دیگری وام بدهد. مراد از وام دادن، به نحو نیکو در شرع مقدس اسلام، این است که انسان مقداری از مال حلال خود را با نیت خالصانه و بدون منّت و برای مصرف در امور حلال در اختیار برادر دینی خود قرار دهد.

قرض در اصطلاح فقها به «انشاء تملیک عین با ضمانت عین یا مثل آن» تعریف شده است (مشکینی، بی‌تا، ص٤۲۳؛ عبدالرحمن، بی‌تا، ص۱۵۷). امام خمینی﵀ دربارهٔ معنای فقهی قرض می‌فرمایند: «قرض تملیک مال به فرد دیگر به همراه ضمانت است؛ بدین معنا که قرض‌گیرنده، متعهد پرداخت نفس یا مثل و یا قیمت آن است. به تملیک‌کننده (قرض‌دهنده)، مقرض و به کسی که به او تملیک گردیده است (قرض‌گیرنده) مقترض یا مستقرض اطلاق می‌گردد» (موسوی خمینی، ۱٤۰٦ق، ص۵۹۹).

شبیه عبارت فوق، در قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران(ماده ٦٤۸) و مجموعهٔ قوانین و مقررات بانکی(ماده ۱۵) نیز برای قرض‌الحسنه بیان شده است.

کارمزد

«کارمزد»، و یا دستمزد واژه‌ای فارسی است و معادل‌های آن در عربی کلماتی مانند «حق‌الزحمه»، «حق‌الثبت»، «حق‌العمل»، «عموله» و... می‌باشند. این واژه در کتب فقهی، بیشتر با تعبیر «اجرت» بیان شده است. کتاب‌های لغت، اجرت را به معنای «جزاء عمل» (پاداش کار) (واسطی، ۱٤۱٤ق، ج٦، ص۱۲؛ حمیری، ۱٤۲۰ق، ص۱۸۵) و «حق کرایه» (جوهری، ۱٤۱۰ق، ج۲، ص۵۷٦) بیان کرده‌اند. در اصطلاح فقها اجرت به عوضی گفته می‌شود که مستأجر در قبال استفاده از منفعت مال یا کار، به موجر یا اجیر می‌پردازد (هاشمی شاهرودی، ۱٤۲٦ق، ص۲٤۷).

در ارتباط با مفهوم کارمزد، توجه به چند نکته، لازم است:

۱. مشروعیت دریافت کارمزد امری بسیار روشن است. انسان از آن جهت که موجودی اجتماعی است، در زندگی خویش به تعاون و همکاری دیگران نیاز دارد؛ زیرا نمی‌تواند به تنهایی نیازهای خودش را تأمین نماید. از سوی دیگر، بر افراد دیگر نیز واجب نیست که به تأمین نیازهای دیگران بپردازند. اینجاست که دریافت کارمزد در مقابل خدمات، واسطه‌ای برای حل مشکل مزبور قلمداد می‌گردد. بنابراین، وجود کارمزد، انگیزهٔ بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی است و محور معیشت بسیاری از انسان‌ها بر پایهٔ آن می‌چرخد. به عبارت دیگر، همان‌گونه که وجود قیمت در کالاها امری لازم بوده و زمینه‌ساز تجارت می‌باشد، کارمزد نیز قیمت خدمات بوده و وجود آن موجب رونق فضای کسب و کار می‌گردد. پس اصل وجود کارمزد، لزوم عقلی دارد. دین اسلام نیز علاوه بر تأیید اصل آن (قصص: ۲٦ـ۲۷)، نکات تشویقی و حمایتی خاصی را در این زمینه بیان کرده است. برای نمونه، پیامبر اکرمﷺ ضمن اینکه کارفرما را موظف کرده‌اند که میزان اجرت کارگر را به وی اعلام نماید (نوری طبری، ۱٤۰۸ق، ج۱٤، ص۲۹)، بر پرداخت به‌موقع آن نیز تأکید کرده‌اند. ایشان در این خصوص می‌فرمایند: «مزد کارگر را قبل از آنکه عرق او خشک شود، بپردازید» (همان).

۲. در اصطلاح فقهی، اجرت به دو قسم اجرةالمثل و اجرةالمسمی تقسیم می‌شود. اجرةالمسمی اجرتی است که در عقد اجاره به آن تصریح می‌گردد و چنانچه مورد تصریح قرار نگیرد، مورد توافق طرفین واقع می‌شود. ولی اجرةالمثل به اجرتی گفته می‌شود که علاوه بر عدم تصریح بر آن در عقد اجاره، مورد توافق طرفین هم واقع نمی‌شود (هاشمی شاهرودی، ۱٤۲٦ق، ص۲٤۷) و تعیین آن بر عهده اهل خبره‌ای است که غرضی نسبت به یکی از طرفین نداشته باشند (سعدی ابوجیب، ۱٤۰۸ق، ص۱٤). این تقسیم‌بندی کاملاً شبیه تقسیم ثمن به ثمن‌المسمی و ثمن‌المثل است که تعیین ثمن المسمی توسط طرفین معامله و تعیین ثمن‌المثل توسط اهل خبره صورت می‌گیرد.

لازم به یادآوری است، کارمزدی که بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری در قبال تسهیلات قرض‌الحسنه دریافت می‌کنند، از نوع اجرةالمسمی می‌باشد، زیرا مقدار آن به هنگام دریافت وام معلوم است.

۳. قانون عملیات بانکی بدون ربا، تعیین میزان حداقل و حداکثر کارمزد قرض‌الحسنه را برعهدهٔ بانک مرکزی گذاشته است (ماده۲۰، بند٤). این میزان در دستورالعمل موجود بانکداری جمهوری اسلامی ایران، حداقل ۲/۵ درصد و حداکثر ٤ درصد است، مشروط بر اینکه از هزینه‌های تجهیز و تخصیص منابع قرض‌الحسنه تجاوز نکند. این رقم، دربارهٔ قرض‌الحسنه‌های اعطایی به کارکنان بانک‌ها یک درصد است. نحوهٔ محاسبهٔ کارمزد قرض‌الحسنه بدین‌گونه است که در ابتدای هرسال، ماندهٔ قرض‌الحسنه در نرخ کارمزد و نسبت مدت آن بر حسب ماه ضرب می‌شود. به عبارت دیگر، میزان کارمزد تابعی از مقدار اسمی مبلغ قرض‌الحسنه و تعداد اقساط است.

برای مثال اگر کسی به میزان ۱۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال وام قرض‌الحسنه از بانک با اقساط ۳۰ ماهه و با نرخ ٤ درصد دریافت کند، هر ماه مبلغ ۵۰۰/۰۰۰ ریال از اصل وام می‌پردازد. علاوه بر این، کارمزد سال اول، ٦۰۰/۰۰۰ ریال، سال دوم، ۳٦۰/۰۰۰ ریال و سال سوم، ٦۰/۰۰۰ ریال می‌باشد؛ یعنی وام‌گیرنده باید در مجموع مبلغ ۹٦٦/۰۰۰ ریال به عنوان کارمزد به بانک بپردازد.

اقوال فقها درباره کارمزد قرض‌الحسنه

فقهای امامیه دربارهٔ جواز و عدم جواز شرط کارمزد در عقد قرض، آرای متفاوتی دارند. برخی این کار را جایز دانسته، و برخی دیگر حکم به حرمت آن داده‌اند. در این قسمت، به بیان اقوال موجود در این خصوص و ادلهٔ آنها می‌پردازیم.

قول اول: جواز

گروهی از فقها دریافت کارمزد مشروط در عقد قرض را جایز می‌دانند. آیات عظام، امام خمینی﵀ (۱٤۲۲ق، ج۲، ص۱۳۰و۲۹۸)، فاضل لنکرانی (بی‌تا، ص۲۷۲) و مکارم شیرازی (۱٤۲۷ق، ج۱،

ص۱۹۷) از قائلین این نظریه می‌باشند. گفتنی است که این گروه از فقها، دریافت کارمزد را به طور مطلق جایز نمی‌دانند، بلکه وجود سه شرط زیر را برای جواز آنچه به عنوان کارمزد دریافت می‌گردد، الزامی دانسته‌اند:

الف. حقیقتاً کارمزد باشد و بهانه و پوششی برای دریافت ربا محسوب نگردد.

ب. به مقدار متعارف(به اندازه مخارج صرف شده)، باشد نه بیشتر.

ج. با توافق و رضایت طرفین صورت گیرد.

همچنین آیت‌الله مکارم دریافت کارمزد را برای صندوق‌های قرض‌الحسنه‌ای که کارمند ندارند، و خود صاحبان وجوه، تمامی کارهای مربوط به وام‌دهی را انجام می‌دهند، دارای اشکال می‌داند (همان).

قائلین به نظریه جواز دریافت کارمزد، برای اثبات نظر خودشان دو دلیل آورده‌اند:

۱. دریافت هزینه‌های مربوط به وام، منفعتی برای قرض‌دهنده محسوب نگشته، و داخل در عنوان «جرّ منفعت» نیست. بنابراین، اطلاقات ادلّهٔ حرمت ربا شامل آن نمی‌گردد.

۲. در عملیات قرض دادن و کارمزد گرفتن، دو معامله مستقل صورت می‌گیرد: یکی معاملهٔ قرض‌الحسنه است که بر اساس آن وامی که هیچ نوع زیاده‌ای در آن شرط نشده است، به قرض‌گیرنده اعطا می‌گردد. معاملهٔ دوم بر اساس عقد اجاره است که قرض‌گیرنده اجرت خدمات مربوط به وام را به مقرض می‌پردازد. این دو معامله، مستقل از یکدیگر می‌باشند. بنابراین، کارمزد وام در عقد قرض شرط نشده است تا اینکه موجب ربوی بودن آن شود (مکارم، ۱۳۷٦، ص٦۹-۷۰).

قول دوم: حرمت

گروه دیگری از فقها همچون آیات عظام موسوی گلپایگانی (۱٤۰۹ق، ج۲، ص۸۹)، بهجت (۱٤۲۸ق، ج۳، ص۱۸۹و۳٦۲)، میرزاجواد تبریزی (بی‌تا، ص۲۸۱)، صافی گلپایگانی (۱٤۱۷ق، ج۲، ص۳۰۲) و سیستانی دریافت کارمزد مشروط در قرض را از مصادیق ربای حرام می‌دانند. این گروه نیز برای نظریه خود دلایل زیر را ارائه می‌دهند:

۱. چنانچه وجوهی که قرض داده می‌شود، ملک صندوق یا مشترک بین صندوق و اشخاص باشد، شرط پرداخت کارمزد، به نفع صندوق بوده و داخل در عنوان «جرّ منفعت» می‌باشد و چنین چیزی موجب ربوی شدن قرض می‌گردد (صافی، ۱٤۱۷ق، ج۲، ص۳۰۱).

در تأیید دلیل مزبور، گفتنی است که چنانچه هزینهٔ فرصت وقت خود قرض‌دهنده جزو مخارج و هزینه‌های وام محسوب گردد و مبلغ آن از قرض‌گیرنده دریافت شود، چنین چیزی از مصادیق بارز منفعت خواهد بود. شرط شدن آن در عقد قرض، موجب ربوی شدن آن می‌شود. برای مثال اگر فردی

پول زیادی داشته باشد و آن را برای دیگران قرض داده و کارمزد بگیرد، علاوه بر مخارج جاری، ارزش اقتصادی وقت خویش را نیز بر اساس هزینهٔ فرصت محاسبه کرده، آن را نیز به عنوان یکی از موارد کارمزد قرار بدهد، چنین کسی با ادامه دادن این کار، یک فرصت شغلی برای خود فراهم می‌کند و نیازمندی‌های زندگی خویش را از این طریق تأمین می‌کند. روشن است که فرصت اشتغال، منفعت بزرگی برای یک فرد محسوب می‌گردد.

۲. کارمندانی که در صندوق کار می‌کنند، اجیر سهام‌داران صندوق هستند. پرداخت حق‌الزحمهٔ آنها برعهدهٔ صندوق می‌باشد. بنابراین، دیگر نمی‌توانند اجیر برای قرض‌گیرندگان شده و در ازای آن اجرت بگیرند. پس آنچه که به عنوان کارمزد گرفته می‌شود، در واقع زیاده‌ای است که به ملک صاحبان سهام وارد می‌شود که آن را صرف در مخارج صندوق، از قبیل پرداخت حقوق کارمندان و مانند آن نموده، بقیه را برای خود برمی‌دارند. این شرط زیادی در قرض است که موجب ربوی بودن آن می‌شود (تبریزی، بی‌تا، ص۲۸۱).

بررسی تطبیق کارمزد قرض‌الحسنه در نظام بانکی کشور با آرای فقها

پس از بیان نظر فقها دربارهٔ جواز یا حرمت کارمزد قرض، این بحث مطرح می‌شود که کارمزد موجود در نظام بانکی جمهوری اسلامی ایران، با کدام‌یک از اقوال مزبور منطبق است. فرضیهٔ ما این است: کارمزدهایی که در قبال اعطای قرض‌الحسنه در بانک‌ها، صندوق‌های قرض‌الحسنه و مؤسسات مالی و اعتباری دریافت می‌گردد، انطباق چندانی با آرای فقها ندارد. به همین دلیل، نیازی برای بررسی صحت و سقم و تقویت و تضعیف ادلّهٔ موافقان و مخالفان جواز دریافت کارمزد احساس نمی‌شود؛ زیرا به هر حال، رویهٔ موجود برای تأمین هزینه‌های تسهیلات قرض‌الحسنه از مطابقت قابل قبولی با نظر فقها برخوردار نیست.

دلیل عدم انطباق دریافت کارمزد مشروط در عقد قرض با نظر فقهای گروه دوم، که دریافت کارمزد در عقد قرض را حرام می‌دانند، روشن و بی‌نیاز از توضیح است؛ زیرا آنان مطلق دریافت هر اندازه مبلغ اضافی را از مصادیق ربا می‌دانند. اما بیان عدم انطباق آن با آرای گروه اول، نیاز به توضیح دارد که در اینجا به بیان قراین آن می‌پردازیم.

سازگاری تابعیت کارمزد از مبلغ اسمی وام با قیمت پول

در نظام بانکی کشور، برخی شرایط سه‌گانه، که برای جواز شرعی دریافت کارمزد بیان شده‌اند، رعایت نمی‌گردد: یکی از این شرایط، زیادهٔ دریافتی حقیقتاً کارمزد باشد. حال آنکه محاسبهٔ آن بر حسب درصدی از مبلغ وام و تبعیت از مبلغ اسمی، مفهوم کارمزد بودن آن را به حاشیه رانده است؛ زیرا اگر

کارمزدها به صورت درصد معین و مشخصی از مبلغ کل قرض‌الحسنه در نظر گرفته شوند، آنچه به ذهن تبادر می‌شود، این است که آن مبلغ اضافی به عنوان هزینه و قیمت پول، منظور و لحاظ گردیده است؛ زیرا تفاوت چندانی بین هزینه‌های ناشی از یک وام یک میلیون تومانی، با یک وام ده میلیون تومانی مشاهده نمی‌گردد. حال آنکه کارمزد دریافت شده در قبال وام ده میلیون تومانی، ده برابر کارمزد وام یک میلیون تومانی است. نتیجه اینکه، درصدی کردن کارمزد نسبت به مبلغ قرض از توجیه قابل قبولی برخوردار نیست. امام خمینی‌ؒ در پاسخ به سؤالی دربارهٔ حکم دریافت درصد بسیار کم (مانند ۱٪) به عنوان کارمزد توسط صندوق‌های قرض‌الحسنه برای تأمین مخارج صندوق می‌فرمایند: «درصد، کارمزد نیست هرچند کم باشد و بهرهٔ پول حرام است، گرچه به اسم کارمزد گرفته شود» (موسوی خمینی، ۱۴۲۲ق، ج۲، ص۲۹۷).

نتیجه اینکه، فرمول محاسبهٔ کارمزد تسهیلات قرض‌الحسنه، هیچ تفاوتی با فرمول محاسبهٔ سود ربوی در نظام بانکی متعارف دنیا ندارد. تنها تفاوت در این میان، تغییر نام نرخ بهره در بانکداری ربوی، به نرخ کارمزد در بانکداری بدون رباست. این تغییر نام مشکلی را حل نمی‌کند؛ زیرا عرف مردم در بازار کار چنین محاسبه‌ای برای تعیین کارمزد خودشان انجام نمی‌دهند.

تعیین حداقل کارمزد

تعیین میزان حداقل کارمزد در قانون عملیات بانکی(۲/۵ درصد)، از توجیه منطقی برخوردار نیست؛ زیرا اگر بنا باشد که کارمزد حقیقی دریافت شود، ممکن است مبلغ کارمزد، رقم ناچیزی بوده و پایین‌تر از آن مبلغی باشد که به عنوان حداقل کارمزد در نظر گرفته شده است. برای نمونه، اگر صندوق قرض‌الحسنه‌ای مخارج خودش را محاسبه کند و به این نتیجه برسد که مخارج آن را تنها یک درصد مبالغ اعطایی به متقاضیان تأمین می‌کند، در این صورت، اگر این صندوق بیش از یک درصد کارمزد بگیرد، با آرای فقها مخالفت کرده است؛ اگر همان یک درصد را از متقاضیان دریافت کند، خلاف قانون عملیات بانکی عمل کرده است.

گفتنی است مشروط شدن عدم تجاوز کارمزد از هزینه‌های تجهیز و تخصیص منابع قرض‌الحسنه، مشکلی را در این خصوص حل نمی‌کند. این مطلب با تعیین حداقل کارمزد همخوانی ندارد. بنابراین، حداقل کارمزد اساساً در این زمینه مطرح نیست.

عدم تغییر نرخ کارمزد در شرایط مختلف

یکسان بودن نرخ کارمزد در تمامی زمان‌ها و مکان‌ها، نشانهٔ دیگری بر صوری بودن کارمزد است.

دستورالعمل بانکی میزان کارمزد را بین ۲/۵ تا ٤ درصد تعیین کرده است. عملاً اکثر بانک‌ها و مؤسسات، سقف این فاصله(٤درصد) را از قرض‌گیرندگان دریافت می‌کنند. سؤال این است که اگر مبلغ دریافتی واقعاً نشانگر کارمزد حقیقی است، پس چرا در شرایط مختلف اقتصادی و در زمان‌ها و مکان‌های مختلف، این مبلغ یکسان مانده و هیچ تغییری نداشته است. با توجه به اینکه رکن اصلی کارمزد را حق‌الزحمهٔ کارمندان و کارگران تشکیل می‌دهد و دستمزد آنان در شرایط مختلف رکود و یا رونق اقتصادی متفاوت بوده، نرخ آن در بازار کار تعیین می‌گردد، عدم تغییر نرخ کارمزد قرض‌الحسنه در نظام بانکی کشور، از قطع رابطهٔ مبالغ اضافی دریافتی با کارمزد حقیقی حکایت می‌کند.

پرداخت هزینه‌های تبلیغات جوایز از محل کارمزدها

یکی دیگر از مسائلی که درباره فعالیت‌های قرض‌الحسنه‌ای بانک‌ها، مؤسسات و صندوق‌ها وجود دارد، پرداخت جایزه به سپرده‌گذاران از طریق قرعه‌کشی است. جواز یا عدم جواز این کار، از این جهت که این موضوع مربوط به تجهیز منابع می‌گردد، از موضوع این مقاله خارج است. زیرا که موضوع دریافت کارمزد به تخصیص منابع مربوط می‌گردد و ارتباطی با تجهیز منابع ندارد. اما این بحث از این جهت که چون معمولاً پرداخت هزینه‌های جوایز و تبلیغاتی از محل دریافت کارمزدها تأمین می‌گردد، با بحث کارمزد ارتباط دارد. به عبارت دیگر، سؤال این است که آیا مسئولان بانک‌ها می‌توانند هزینه‌های مربوط به جوایز سپرده‌گذاران را جزو مخارج صندوق قرار داده و مبلغ آن را از وام‌گیرندگان مطالبه نمایند؟ در این زمینه باید گفت که چنین چیزی یقیناً جزو کارمزد واقعی محسوب نمی‌گردد. دریافت کارمزدی که هزینه‌های جوایز برای دیگران، علاوه بر مخارج واقعی صندوق در آن لحاظ گردیده است، اشکال شرعی دارد و عرف چنین کاری را ظلم در حق وام‌گیرنده تلقی می‌کنند. اما آنچه در واقع اتفاق می‌افتد، این است که بانک‌ها و مؤسسات به منظور تشویق مردم به سپرده‌گذاری بیشتر، به آنان جایزه می‌دهند و هزینه‌های سنگین تبلیغات آن را از محل کارمزدهای وام‌ها تأمین می‌کنند. لازم به یادآوری است هرچند که بانک‌ها به لحاظ قانونی نمی‌توانند هزینه‌های جوایز را از محل کارمزدها بپردازند، ولی زمینهٔ تخلف از این دستور قانونی به سهولت هموار است؛ چه‌بسا بانک‌هایی که چنین تخلف قانونی را انجام می‌دهند و بانک مرکزی متوجه آن نمی‌شود.

نقد و بررسی راهکارهای ارائه شده

با توجه به مشکلاتی که برای دریافت کارمزد مشروط در قرض‌الحسنه و شیوهٔ محاسبهٔ آن بیان گردید، راهکارهایی برای جایگزینی آن ارائه شده است که در اینجا به نقد و بررسی آنها می‌پردازیم.

۱. راهکار وکالت بانک از طرف سپرده‌گذاران

یکی از شیوه‌هایی که برای جایگزینی شیوهٔ فعلی مطرح می‌شود، تغییر رابطهٔ حقوقی بین سپرده‌گذاران و بانک‌ها از «قرض» به «وکالت برای اعطای قرض» است. در این شیوه سپرده‌گذاران، وجوه خود را به تملیک بانک و صندوق درنمی‌آورند، بلکه سپرده‌ها را در ملکیت خودشان نگه داشته، به بانک وکالت می‌دهند که آنها را به صورت قرض‌الحسنه در اختیار متقاضیان قرار دهد. در این صورت، بانک‌ها و صندوق‌های قرض‌الحسنه می‌توانند از بابت حق واسطه‌گری، تمامی هزینه‌های مربوط به فعالیت‌های وام‌دهی را از قرض‌گیرندگان دریافت کنند.

آیت‌الله صافی گلپایگانی در پاسخ به سؤالی درباره حکم شرعی شرط پرداخت کارمزد به صندوق‌های قرض‌الحسنه می‌فرمایند:

> **اگر وجهی را که صندوق قرض می‌دهد، ملک صندوق یا مشترک بین صندوق و اشخاص باشد، شرط مذکور به نفع صندوق و در حکم زیاده و ربا و حرام است. ولی اگر وجوهی که قرض داده می‌شود، ملک اشخاص باشد و صندوق فقط وکیل صاحبان وجوه و واسطه‌گی بین طرفین را در وقوع معامله عهده‌دار باشد، می‌تواند آنچه را برای انجام معامله هزینه می‌نماید و همچنین حق‌العمل واسطه‌گی خود را برای اداره امور صندوق و استمرار عمل آن از قرض‌گیرنده دریافت نماید و بدون قبول آن از طرف قرض‌گیرنده معامله را انجام ندهد (صافی گلپایگانی، ۱٤۰۹ق، ج۲، ص۳۰۱-۳۰۲).**

برخی نیز روش فوق را راهکار مناسبی برای حل مشکل شرعی دریافت کارمزد و برخی مشکلات دیگر دربارهٔ سپرده‌های قرض‌الحسنه می‌دانند (موسویان، ۱۳۹۰، ص۱۰٤-۱۰۵).

به نظر می‌رسد، راهکار فوق مشکلی از مشکلات دریافت کارمزد مشروط را برطرف نمی‌سازد؛ زیرا زمانی که بانک، وکیل سپرده‌گذاران است، می‌تواند به دو صورت قرارداد منعقد کند که در هیچ یک از آنها برای وکالت بانک اثری مترتب نمی‌باشد. در اینجا به بیان آن می‌پردازیم:

۱. بانک در قرارداد قرض شرط می‌کند که وام‌گیرنده، زیاده‌ای را به عنوان کارمزد به بانک، که وکیل صاحب پول است، بپردازد. ممکن است گفته شود چنین چیزی ربا نیست؛ زیرا زیادهٔ مشروط به نفع قرض‌دهندهٔ اصلی که سپرده‌گذار است، نمی‌باشد، بلکه به نفع بانک است که فرد ثالثی بوده و به وکالت از صاحب پول، عملیات قرض را انجام داده است. *شهید صدر* این روش را به عنوان راهی برای کسب سود مشروع برای بانک از محل سپرده‌گذاری‌های قرض‌الحسنه مطرح کرده، آن را نپذیرفته است (صدر، ۱٤۰۱ق، ص۱۸۰)؛ زیرا مبنای استدلال فوق این است که در عقد قرض، اگر زیادهٔ مشروط به نفع صاحب پول باشد، ربا محقق می‌شود. ولی چنانچه صاحب پول شرط کند که قرض‌گیرنده، زیاده‌ای را به نفع فرد ثالثی بپردازد، ربا تحقق نمی‌یابد. در حالی که، اطلاقات ادلهٔ حرمت ربای قرضی، شرط شدن هرگونه زیاده بر مال قرض داده شده را حرام می‌دانند و تفاوتی بین اینکه زیادهٔ مزبور به نفع

مقرض باشد، یا هر فرد دیگر، وجود ندارد. *محمدبن قیس* روایتی از امام محمد باقر﵇ نقل کرده است که حضرت فرمودند:

اگر کسی به فرد دیگری پولی را قرض دهد، نباید بازپرداخت بیش از مثل آن را شرط کند.- اگر قرض‌گیرنده چیز بهتر (یا بیشتر) از مال قرض را (بدون شرط قبلی) برگرداند، قرض دهنده، قبول کند- کسی از شما سوار شدن بر حیوان یا عاریه گرفتن کالایی را که قرض‌دهنده، آن را به خاطر قرض دادن پول خودش بر قرض‌گیرنده شرط کرده است، مطالبه نکند (حرعاملی، ۱۴۰۹ ق، ج۱۸، ص۳۵۷).

در این روایت، عدم مشروعیت شرط زیاده در قرض به طور مطلق بیان شده و هیچ تفصیلی بین استفاده از زیاده توسط مالک و غیرمالک داده نشده است.

بنابراین، تغییر رابطهٔ حقوقی بین بانک و سپرده‌گذار از قرض به وکالت برای قرض، مشکل کارمزد را حل نمی‌کند؛ زیرا همان مشکلاتی که در صورت مالکیت بانک بر سپرده‌ها وجود داشت، در اینجا نیز وجود دارد؛ زیرا فقهای گروه دوم در رابطهٔ حقوقی وکالت نیز دریافت کارمزد را شرط زیاده و از مصادیق ربا می‌دانند و فقهای گروه اول، در صورتی که شرایط سه‌گانه تحقق یابد، با آن موافق هستند. تحقق شرایط مزبور با شیوهٔ محاسبهٔ فعلی دارای ابهام‌های جدی است.

۲. صورت دیگری که قابل تصور است، اینکه دو قرارداد در اینجا وجود دارد: یکی قرارداد قرض است که هیچ شرط زیاده‌ای در آن نشده و بین بانک به عنوان وکیل صاحب پول و قرض‌گیرنده منعقد گردیده است؛ یعنی قرض‌دهنده و طلب‌کار اصلی همان صاحب سپرده است و بانک کارهای وام‌دهی را به وکالت از او انجام می‌دهد. قرارداد دیگر، عقد اجاره است که بین بانک و قرض‌گیرنده منعقد گشته و بانک، اجیر قرض‌گیرنده محسوب می‌شود. از نظر تقدم و تأخر این دو قرارداد از یکدیگر، دو شکل قابل فرض است: یکی اینکه قرض، مقدم شده و اجاره در آن شرط شده باشد. دیگری اینکه اجاره، مقدم گشته و قرض در آن شرط شود. فقها قرض به شرط اجاره را از مصادیق ربا می‌دانند؛ زیرا اجرت، منفعت و زیاده‌ای است که پرداخت آن بر گیرندهٔ قرض شرط گردیده است ولی شکل دوم(اجاره به شرط قرض)، با بیانی که خواهد آمد، در یک صورت، صحیح بوده و در شکل دیگر دارای اشکال شرعی است.

نکتهٔ قابل توجه اینکه برای صحت اجاره به شرط قرض، نیازی به وکالت بانک از سوی سپرده‌گذاران وجود ندارد. خود مالک وجوه هم می‌تواند مستقلاً و بدون وساطت و وکالت کسی، چنین قراردادی را با قرض‌گیرنده منعقد سازد. بنابراین، شکل صحیح عقد اجاره به شرط قرض، هم در صورت وکالت بانک از سوی سپرده‌گذاران و هم در صورت مالکیت خود بانک بر منابع بانکی، اشکال شرعی ندارد. چنانچه کسی به بطلان یا حرمت چنین قراردادی

معتقد باشد، باید در هر دو شکل آن چنین حکمی را بدهد و دلیلی برای تفکیک حکم وکالت بانک و عدم آن وجود ندارد. پس وکالت بانک از سوی سپرده‌گذاران، مشکل شرعی کارمزد را برطرف نمی‌کند، هرچند دارای مزایای دیگری مانند اختصاص تمامی منابع قرض‌الحسنه به تسهیلات قرض‌الحسنه است.

راهکار پرداخت کارمزد به شرط قرض

یکی دیگر از راهکارهای پیشنهادی، پرداخت کارمزد به شرط قرض است. در این زمینه گفته شده اگر بانک در ضمن عقد قرض، شرط کند که وام‌گیرنده کارمزد بدهد، این ربای حرام است؛ زیرا شرط منفعتی است که فقط به مصلحت بانک می‌باشد. اما اگر وام‌گیرنده کارمزد را بدهد و ضمن آن شرط کند که بانک به او وام دهد، اشکالی ندارد (خرازی، ۱۳۸٤، ص۳۳-۳٤).

در نقد راهکار فوق، این سؤال مطرح است که آیا بانک در مقابل کارمزدی که از وام‌گیرنده دریافت می‌کند، کار خاصی غیر از قرض، برای وام‌گیرنده انجام می‌دهد یا نه؟ بنابراین، دربارهٔ راهکار فوق نیز دو صورت پیدا می‌شود که هریک حکم خاص خود را دارد:

۱. بانک، غیر از قرض دادن، خدمت مستقلی در قبال کارمزد انجام می‌دهد. برای مثال، شخصی با مراجعه به بانک از بانک می‌خواهد جواهرات و اشیاء قیمتی او را نگهداری نماید یا اینکه بانک، وجوه وی را به حساب فرد دیگری حواله کند. در این صورت، بانک می‌تواند از وی تقاضای اجرت نماید. این شخص مستأجر نیز می‌تواند در ضمن این عقد لازم(اجاره)، شرط کند که بانک به وی قرض دهد. در این صورت، اگر کارمزد پرداخت شده در قبال خدمت بانک، به حدی باشد که بانک، قرض دادن به مستأجر را به مصلحت خود دانسته و قبول کند، آنگاه به شرط خود عمل می‌کند و وام بدون کارمزد به وی می‌پردازد و اگر مقدار کارمزد را کم دانسته و احساس کند که در این معامله، متضرر می‌شود، می‌تواند دربارهٔ میزان آن با مستأجر چانه‌زنی کرده و مبلغ آن را افزایش دهد. این افزایش و کاهش اجرت، به سبب اینکه در عقدی مستقل از قرض صورت می‌گیرد، مشکل شرعی ندارد؛ زیرا ملاک آن رضایت طرفین است.

لازم به ذکر است که اجرای این شیوه کارآمدی لازم را ندارد؛ زیرا فقط افرادی می‌توانند از آن استفاده نمایند که علاوه بر تقاضای وام از بانک، به خدمت دیگری نیز از سوی بانک نیاز داشته باشند. مثلاً پولی حواله کنند، یا قبضی پرداخت نمایند. علاوه بر اینکه، چنین محدودیت‌هایی زمینهٔ صوری بودن عقد اجاره را به همراه داشته، و موجب ربوی شدن وام‌ها خواهد گردید.

۲. صورت دیگر معامله این است که بانک هیچ خدمتی غیر از خدمات قرض به متقاضی وام

ارائه نمی‌کند. متقاضی وام مبلغی به عنوان اجرت به بانک می‌پردازد، ولی بانک کاری در مقابل آن انجام نمی‌دهد. در این صورت، عقد اجاره باطل است؛ زیرا چیزی در برابر اجرت پرداخت شده به بانک، قرار نگرفته است. به عبارت دیگر، بانک به چه دلیل و عنوانی استحقاق دریافت اجرت را پیدا کرده است؟ اگر گفته شود خدمت بانک همان خدمات مربوط به قرض است، در پاسخ باید گفت: هنوز قرضی شرط نشده است تا اجرتی در برابر آن مشروعیت داشته باشد؛ زیرا شرط شدن قرض به یک بستری(عقد اجاره) نیازمند است که آن بستر، به سبب اینکه یکی از عوضین آن موجود نیست، هنوز محقق نشده است. بنابراین، نمی‌توان با پرداخت مبلغی به عنوان اجرت به بانک، بدون اینکه عملی غیر از قرض در مقابل آن صورت گرفته باشد، دریافت وام از بانک به همراه کارمزد قبلی را مشروع دانست.

راهکار محاسبهٔ کارمزد بر اساس تعداد اقساط

یکی از راهکارهای ارائه شده برای محاسبهٔ کارمزد واقعی، محاسبهٔ آن بر اساس تعداد اقساط است (فدایی، ۱۳۸٤، ص۱٤٦-۱٤۹). در این شیوه، بر قطع رابطهٔ کارمزد از مقدار اسمی وام تأکید شده و محاسبهٔ آن بر اساس تعداد اقساط به عنوان جایگزین مناسبی برای شیوهٔ فعلی بیان شده است. این شیوه نسبت به شیوهٔ فعلی منطقی‌تر بوده، به کارمزد واقعی نزدیک‌تر است و شبههٔ قیمت پول بودن کارمزد در آن وجود ندارد. در عین حال، از دو جهت قابل خدشه است: یکی اینکه، در این شیوه فقط یک بخش از هزینه‌ها مورد توجه قرار گرفته است و از لحاظ هزینه‌های مربوط به فرآیند وام‌دهی، که شامل استعلام، دریافت وثیقه‌ها و... می‌باشد، غفلت شده است. نقطهٔ ضعف دوم اینکه، اگر هم آن را کارمزد حقیقی بدانیم، فقط با نظر فقهای گروه اول مطابقت خواهد داشت و نظر فقهای دیگر را که دریافت هرگونه زیادهٔ مشروط را حرام می‌دانند، تأمین نخواهد کرد.

راهکارهای پیشنهادی برای تأمین هزینه‌های تسهیلات قرض‌الحسنه‌ای

با توجه به مشکلاتی که چگونگی محاسبهٔ کارمزد تسهیلات قرض‌الحسنه دارد و آن را حداقل در معرض شبههٔ ربا قرار داده و تعداد قابل توجهی از مراجع تقلید، آن را قبول ندارند، ضروری است که راهکارهای دیگری برای تأمین مخارج این تسهیلات اندیشیده شود تا ضمن پرداختن نظام بانکی به فعالیت‌های تجهیز و تخصیص منابع قرض‌الحسنه، فعالیت آنان با مشکل شرعی مواجه نشود. در اینجا پیشنهادهایی جهت جایگزینی رویهٔ موجود، به ترتیب اولویت ارائه می‌گردد:

تأمین مخارج تسهیلات قرض‌الحسنه از بیت‌المال

یکی از راهکارهای جایگزین برای دریافت کارمزد، تأمین هزینه‌های تجهیز و تخصیص منابع قرض‌الحسنه از سوی دولت است. توضیح اینکه، مراکزی که خدمات قرض‌الحسنه به مردم ارائه می‌کنند، دو گونه هستند: نوع اول، مراکزی هستند که فقط فعالیت قرض‌الحسنه انجام داده و کار دیگری غیر از آن ندارند. مانند بانک قرض‌الحسنهٔ مهر ایران و یا صندوق‌های قرض‌الحسنه. نوع دوم، مراکزی هستند که علاوه بر قرض‌الحسنه، تسهیلات سودآور دیگری نیز به مردم ارائه می‌کنند. دولت می‌تواند مراکز نوع اول را به مثابهٔ سایر ادارات دولتی قرار داده و حق‌الزحمهٔ کارمندان آنها و هزینه‌های مربوط به دفترچه‌ها، و تجهیزات اداری آنها را از بیت‌المال تأمین کند. تأمین هزینه‌های مراکز دوم را نیز می‌توان برعهدهٔ خود آنها گذاشت؛ زیرا آنها دارای درآمدهای مناسبی از جهت ارائهٔ تسهیلات سودآور بانکی هستند و خود می‌توانند هزینه‌های مربوط به کارمزد را تأمین کنند. البته دولت می‌تواند برای تشویق این مراکز به فعالیت‌های قرض‌الحسنه‌ای، تسهیلاتی مانند تخفیف مالیاتی و کاهش نرخ ذخیرهٔ قانونی سپرده‌گذاری را در حق آنان اعمال کند.

گفتنی است انجام چنین کاری هزینه چندانی بر دولت تحمیل نمی‌کند؛ زیرا تعداد مراکزی که صرفا به فعالیت قرض‌الحسنه می‌پردازند، محدود است. دولت به راحتی می‌تواند هزینه‌های جاری و حقوق کارمندان آنها را تأمین کند. علاوه بر اینکه، بیشتر متقاضیان تسهیلات قرض‌الحسنه را اقشار ضعیف و کم‌درآمد جامعه تشکیل می‌دهند و هزینه کردن دولت دربارهٔ این گروه از افراد جامعه، با عدالت اجتماعی نیز سازگاری بیشتری دارد.

اولویت این راهکار پیشنهادی به روش‌های دیگر این است که هیچ‌گونه شبههٔ ربا در آن وجود ندارد و مورد قبول همهٔ مراجع تقلید می‌باشد. این روش با عدالت اجتماعی همسویی دارد و موجب ترویج هرچه بیشتر فرهنگ قرض‌الحسنه می‌گردد.

اختصاص بخشی از منابع قرض‌الحسنه به سرمایه‌گذاری

اگر دولت به هر دلیلی نتواند هزینه‌های مربوط به تجهیز و تخصیص منابع قرض‌الحسنه را بپردازد و لازم باشد هزینه‌های مزبور از درون خود سیستم بانکی، نه بیرون از آن تأمین شود، یکی از راه‌های تأمین مخارج مزبور، این است که بخشی از منابع قرض‌الحسنه، به موارد سرمایه‌گذاری اختصاص یابد و از سود حاصله، هزینه‌های فعالیت‌های قرض‌الحسنه تأمین شود. این امر در بانک‌ها و مؤسساتی که علاوه بر قرض‌الحسنه به فعالیت‌های سودآور بانکی می‌پردازند، به راحتی امکان‌پذیر است؛ زیرا این مراکز، یک بنگاه اقتصادی بوده و اساس کار آنها بر سرمایه‌گذاری و

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

سودآوری است. بنابراین، به راحتی می‌توانند بخشی از منابع قرض‌الحسنه را به مصارف سرمایه‌گذاری رسانده و از این طریق، هزینه‌های قرض‌الحسنه را پوشش دهند. همچنان که سال‌هاست بانک‌ها بخشی از منابع قرض‌الحسنه را از دایرهٔ وام‌دهی خارج کرده، آن را در قالب تسهیلات سودآور بانکی به متقاضیان می‌پردازند(ر.ک: آمارهای بانک مرکزی۸۷-۱۳۶۳). در حال حاضر نیز همین کار در بیشتر بانک‌ها صورت می‌گیرد.

مراکز دیگری نیز مانند صندوق‌های قرض‌الحسنه، که به ارائهٔ تسهیلات سودآور نمی‌پردازند، می‌توانند بخشی از منابع خویش را به سرمایه‌گذاری مستقیم یا غیرمستقیم اختصاص دهند. سرمایه‌گذاری غیرمستقیم می‌تواند شامل افتتاح حساب‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار در نزد بانک‌ها باشد. دولت می‌تواند بانک‌ها را موظف کند که سود بیشتری به سپرده‌های این صندوق‌ها بپردازند.

گفتنی است در این راهکار، چنانچه سود حاصل از سرمایه‌گذاری‌ها بیشتر از هزینه‌های مربوط به قرض‌الحسنه باشد، مشکل شرعی پیدا نمی‌شود؛ زیرا که سپرده‌گذاران، وجوه خویش را در قالب عقد قرض در اختیار بانک و صندوق قرض‌الحسنه قرار می‌دهند. از آنجایی که تملیک عین از نتایج عقد قرض است، بانک و صندوق مالک سپرده‌ها می‌گردند و می‌توانند هر میزان از منابع قرض‌الحسنه را که خودشان تصمیم گرفتند، به سرمایه‌گذاری اختصاص دهند. ولی برای جلوگیری از برخی سوءاستفاده‌ها و اینکه مردم به سپرده‌گذاری در حساب‌های قرض‌الحسنه تشویق شوند، لازم است سقفی برای سرمایه‌گذاری در نظر گرفته شود تا مسئولان مراکز قرض‌الحسنه نتوانند بیش از آن مقدار سرمایه‌گذاری کنند؛ زیرا در غیر این صورت، ممکن است برخی مدیران، سرمایه‌گذاری را بهانه کرده و از اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه به متقاضیان خودداری نمایند. بهتر است سقف مزبور به میزان تأمین هزینه‌ها باشد و از آن تجاوز نکند. تعیین این میزان می‌تواند به صورت مبلغ ثابت و مشخص، یا نسبتی از وجوه سپرده‌گذاری شده در حساب‌های قرض‌الحسنه باشد.

بانک مرکزی می‌تواند با کاهش نرخ ذخیرهٔ قانونی سپرده‌های قرض‌الحسنه، بانک‌ها، مؤسسات مالی و اعتباری و صندوق‌های قرض‌الحسنه را در سرمایه‌گذاری برای تأمین مخارج و ارائهٔ بیشتر تسهیلات قرض‌الحسنه یاری کند.

البته، این راهکار، منحصر به حکومت‌های اسلامی نیست؛ تمامی بانک‌ها و مؤسسات در هر نظام حکومتی می‌توانند از این طریق، کارمزد تسهیلات قرض‌الحسنه را تأمین نمایند؛ زیرا در این شیوه، تأمین مخارج از درون خود بانک صورت می‌گیرد و نیازی به حمایت و پشتیبانی بیرونی ندارد.

محاسبهٔ کارمزد واقعی

یکی از راهکارهای جایگزین برای شیوهٔ فعلی، تغییر در چگونگی محاسبهٔ کارمزد و تعیین میزان واقعی آن است؛ بدین معنی که تمامی هزینه‌های مربوط به فرآیند وام‌دهی در هر وام، به صورت مبلغ ثابت، مشخص گردیده و از وام‌گیرنده دریافت شود.

هزینه‌های مزبور می‌تواند در دو بخش جداگانه مطرح شود: بخش اول، مربوط به مراحل ابتدایی وام‌دهی است که از زمان مراجعهٔ متقاضی به بانک شروع شده و تا پایان دریافت قرض‌الحسنه ادامه می‌یابد و عمدهٔ هزینه‌ها در این مرحله واقع می‌شود. بخش دوم، هزینه‌های مربوط به پرداخت اقساط وام است که در مقایسه با بخش اول، چندان هزینه‌بردار نیست. البته، هزینه‌های بخش اول، که شامل هزینه‌های استعلام، پذیرش وثیقه‌ها و ضمانت‌ها، وقت صرف شده کارمندان، کاغذهای مصرف شده و... می‌شود، از پرونده‌ای به پرونده دیگر فرق می‌کند و به متغیرهای مختلفی از جمله مبلغ وام و شخصیت حقیقی متقاضی وام بستگی دارد. اما متغیر اصلی دربارهٔ هزینه‌های بخش دوم، تعداد اقساط وام است و غیر از این جهت، تفاوتی بین وام‌گیرندگان وجود ندارد.

محاسبهٔ هزینه‌های بخش اول با میزان وقت صرف شده کارمندان بر حسب نفر ساعت، قیمت تمام شدهٔ دفترچه‌ها، شمارش تعداد کاغذهای مصرفی و هزینه‌های متوسط برق و گاز و... امکان‌پذیر است. برای محاسبهٔ هزینه‌های مرحلهٔ بازپس‌گیری اقساط وام، می‌توان هزینهٔ یک بار مراجعه مشتری برای پرداخت اقساط را محاسبه کرده، آن را به تعداد اقساط وام ضرب نمود. محاسبهٔ هزینهٔ یک بار مراجعه نیز با در نظر گرفتن نفر ساعت کارکنان، متوسط هزینه‌های انرژی و... به راحتی ممکن است. مجموع هزینه‌های بخش اول و دوم، کارمزد واقعی را برای هر پروندهٔ قرض‌الحسنه مشخص می‌کند.

اگر مقدار واقعی کارمزد را با (TC)، هزینه‌های مرحلهٔ وام‌دهی را با (C1)، هزینه‌های مرحله بازپرداخت وام را با (C2)، هزینهٔ یک بار مراجعه به بانک برای پرداخت قسط وام را با (O) و تعداد اقساط را با (n) نمایش دهیم، خواهیم داشت:

$$TC = C1 + C2$$
$$C2 = O \times n$$
$$TC = C1 + (O \times n)$$

مقدار کارمزد=(تعداد اقساط× هزینهٔ یک بار مراجعه مشتری به بانک)+ هزینه‌های مرحلهٔ وام‌دهی

در ارتباط با شیوهٔ مزبور دو نکته لازم به یادآوری است:

۱. مراد از محاسبهٔ واقعی هزینه‌های صورت گرفته، واقعیت فلسفی و دقت عقلی آن نیست که حتی یک ریال هم مورد توجه قرار گیرد؛ بلکه مراد از آن محاسبهٔ عرفی است که معیار تمامی محاسبات معاملات در فقه اسلامی است. بنابراین، اگر اشتباهات ناچیزی که عرف مردم آنها را به حساب

نمی‌آورند، در محاسبات هزینه‌ها صورت گیرد، مشکلی ایجاد نخواهد کرد. ولی چنانچه اشتباهات به حدی باشد که عرف، آن را قبول نکند، اجحاف تلقی شده و دارای اشکال خواهد بود.

۲. این شیوه با تمامی شرایط سه‌گانه‌ای که فقهای قائل به جواز دریافت کارمزد بیان کرده‌اند، منطبق است؛ زیرا آنچه مورد محاسبه قرار می‌گیرد، حقیقتاً خود کارمزد است که هیچ ارتباطی با مبلغ اسمی وام ندارد و به مقدار متعارف و با رضایت طرفین واقع شده است، ولی با نظر گروه دوم از فقها، که دریافت کارمزد را حرام می‌دانند، انطباق ندارد؛ زیرا آنان دریافت هرگونه زیاده در قرض را به هر عنوان که باشد، از مصادیق ربا می‌دانند. بر این اساس، این شیوه به جهت اینکه با نظر یک گروه از مراجع تقلید منطبق است، نسبت به شیوهٔ مرسوم، که با نظر هیچ گروهی از فقها منطبق نیست، برتری دارد.

نتیجه‌گیری

بر اساس آنچه گذشت دربارهٔ اصل و نفس دریافت کارمزد مشروط در قرض، دو نظر جواز و حرمت در بین مراجع تقلید وجود دارد. فرضیهٔ مقاله این بود که شیوهٔ فعلی محاسبهٔ کارمزد قرض‌الحسنه، حتی با نظر موافقین اصل دریافت کارمزد هم مطابقت ندارد. این شیوه، شرایطی را که این گروه از فقها برای جواز دریافت کارمزد بیان کرده‌اند، تأمین نمی‌کند. قراینی مانند تبعیت کارمزد از مبلغ اسمی وام، تعیین کف کارمزد، یکسان بودن آن در شرایط مختلف اقتصادی و پرداخت تبلیغات جوایز بانکی از محل کارمزدها این ادعا را ثابت می‌کند. تاکنون چندین راهکار برای تغییر شیوهٔفعلی ارائه شده است که برخی از آنها، مانند وکالت بانک از سوی سپرده‌گذاران، پرداخت کارمزد به شرط قرض و محاسبهٔ کارمزد بر اساس تعداد اقساط، مورد نقد و بررسی قرار گرفتند. نتیجهٔ بررسی‌های مزبور، حاکی از عدم توانایی کامل آنها برای برطرف کردن مشکل شرعی شیوهٔ فعلی است. بر این اساس، سه راهکار جدید به ترتیب اولویت برای جایگزینی شیوهٔ فعلی پیشنهاد گردیده است که عبارتند از: تأمین مخارج قرض‌الحسنه‌ها از بیت‌المال، اختصاص بخشی از منابع قرض‌الحسنه به سرمایه‌گذاری و محاسبهٔ کارمزد واقعی.

با قطع نظر از حکم فقهی دریافت کارمزد از تسهیلات قرض‌الحسنه، منش مسلمانی اقتضا می‌کند که از دریافت‌کنندگان تسهیلات قرض‌الحسنه، کارمزدی دریافت نشود؛ زیرا عموم یا اکثر متقاضیان قرض‌الحسنه را نیازمندان و طبقات ضعیف و متوسط به پایین جامعه قرار می‌دهند. بر این اساس، فقهایی هم که دریافت کارمزد را به لحاظ فقهی، جایز دانسته‌اند، توصیه کرده‌اند که به لحاظ رعایت حال ضعفای جامعه، بهتر است مخارج فعالیت‌های وام‌دهی در بانک‌ها و صندوق‌های قرض‌الحسنه از جاهای دیگر تأمین شود و چیزی از وام‌گیرندگان دریافت نشود (مکارم، ۱۳۷۶، ص۶۹؛ صافی، ۱۴۱۷ق، ص۳۰۳).

منابع

ابن منظور، محمدبن مکرم (۱۴۱۴ق)، ***لسان العرب***، چ سوم، بیروت، دارالفکر.

بهجت، محمدتقی (۱۴۲۸ق)، ***استفتاءات***، قم، دفتر حضرت آیة الله بهجت.

تبریزی، جواد (بی‌تا)، ***استفتاءات جدید***، قم، بی‌نا.

جمعی از پژوهشگران زیر نظر سیدمحمود هاشمی شاهرودی (۱۴۲۶ق)، ***فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت***، قم، مؤسسهٔ دائرةالمعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت.

جوهری، اسماعیل‌بن حماد (۱۴۱۰ق)، ***الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیة***، بیروت، دارالعلم للملایین.

حر عاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۹ق)، ***وسائل الشیعة***، قم، مؤسسهٔ آل البیت.

حمیری، نشوان‌بن سعید (۱۴۲۰ق)، ***شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلوم***، بیروت، دار لفکر المعاصر.

خرازی، محسن (۱۳۸۴)، «پژوهشی دراقسام بانک و احکام آن»، ***فقه اهل بیت***، ش۴۳، ص ۳- ۵۳.

سعدی ابوجیب (۱۴۰۸ق)، ***القاموس الفقهی لغة و اصطلاحا***، چ دوم، دمشق، دارالفکر.

صافی گلپایگانی، لطف‌الله (۱۴۱۷ق)، ***جامع الأحکام***، چ چهارم، قم، حضرت معصومه.

صدر، سیدمحمدباقر (۱۴۰۱ق)، ***البنک اللاربوی***، چ هفتم، بیرت، دارالتعارف للمطبوعات.

طریحی، فخرالدین (۱۴۱۶ق)، ***مجمع البحرین***، چ سوم، تهران، کتاب‌فروشی مرتضوی.

فدایی خوراسگانی، مهدی (۱۳۸۴)، «بررسی کارمزد تسهیلات مالی با عقود اسلامی»، ***اقتصاد اسلامی***، ش۲۰، ص ۱۳۷ - ۱۵۸.

فراهیدی، خلیل‌بن احمد (۱۴۱۰ق)، ***کتاب العین***، چ دوم، قم، هجرت.

کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷ق)، ***الکافی***، چ چهارم، تهران، دارالکتب الإسلامیة.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۷ق)، ***استفتاءات جدید***، چ دوم، قم، مدرسه امام علی‌بن ابی‌طالب.

ـــــ (۱۳۷۶)، ***ربا و بانکداری اسلامی***، قم، مدرسه امام علی‌بن ابی‌طالب.

موحدی فاضل لنکرانی، محمد (بی‌تا)، ***جامع المسائل***، چ یازدهم، قم، امیر قلم.

موسوی خمینی، سیدروح الله (۱۴۰۶ق)، ***تحریر الوسیلة***، چ دوم، قم، جامعه مدرسین حوزهٔ علمیهٔ قم.

ـــــ (۱۴۲۲ق)، ***استفتاءات***، چ پنجم، قم، جامعه مدرسین حوزهٔ علمیهٔ قم.

موسوی گلپایگانی، سیدمحمدرضا (۱۴۰۹ق)، ***مجمع المسائل***، چ دوم، قم، دار القرآن الکریم.

موسویان، سیدعباس (۱۳۹۰)، ***طرح تحول نظام بانکی***، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه.

محمود عبد الرحمان (بی‌تا)، ***معجم المصطلحات و الألفاظ الفقهیة***، بی‌جا، بی‌نا.

مشکینی، علی (بی‌تا)، ***مصطلحات الفقه***، بی‌جا، بی‌نا.

ملاکریمی خوزانی، فرشته (۱۳۹۰)، «بررسی فقهی اخذ کارمزد و ارائهٔ تسهیلات به شرط سپرده‌گذاری در صندوق‌های قرض‌الحسنه»، ***تازه‌های اقتصاد***، ش۱۳۲، ص ۶۲ - ۶۵.

نوری طبرسی، میرزاحسین (۱۴۰۸ق)، ***مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل***، بیروت، مؤسسهٔ آل‌البیت.

واسطی، زبیدی، حنفی، محب الدین، سید محمد مرتضی حسینی (۱۴۱۴ق)، ***تاج العروس من جواهر القاموس***، بیروت، دارالفکر.